

امین حیایی و نیلوفر خوش خلق



پشت هر مرد موفق، يك زن موفق است. اگر مردی در جامعه موفق می‌شود، به طور حتم يك زن دانا و باسواد را به عنوان انگیزه در کنار خود دارد؛ زنی که اعتماد به نفس به او می‌دهد و سعی می‌کند با راهنمایی‌های خود، در موفقیت او سهیم باشد. این نمونه‌ای است از زندگی يك زوج هنری موفق؛ امین حیایی و نیلوفر خوش‌خلق. امین حیایی سرانجام به حقش رسید و پس از سال‌ها بازیگری، توانست سیمرغ بلورین جشنواره بیست و ششم فجر را از آن خود کند. وای خدایا زمان چقدر زود می‌گذرد، انگار همین دیروز بود که به خانه این زوج جوان در منطقه فرمانیه تهران رفتیم، تابستان سال 1384. امین حیایی و نیلوفر خوش‌خلق، ما را مهمان خانه‌شان کردند و يك گفتگوی اختصاصی با آنها انجام دادیم. آن روز برای ما روزی به یاد ماندنی بود چرا که در منزل شخصی این زوج هنری، مهمان خانه‌شان شدیم و الحق والانصاف هم که امین با آغوشی باز ما را پذیرفت. حتی ژست مقابل دوربین برای تصویر روی جلد هم فکر امین بود... و حالا سه سال از آن زمان می‌گذرد. به تجربه امین و همسرش افزوده شده، همین‌طور به تجربه ما که باعث شده در کارمان کوشا تر باشیم. امین حیایی می‌تواند الگویی خوبی برای جوان ایرانی باشد. پسر محبوب سینمای ایران که فعالیت خود را از تلویزیون آغاز کرد و پس از آن به سینما راه یافت. در سینما آنقدر بازی کرد و بازی کرد تا سرانجام برای بازی در فیلم (شب) در نقش يك سرباز نیروی انتظامی از اهالی شهر بابل توانست سیمرغ بلورین را از آن خود کند. زمانی به این کار مهم حیایی پی می‌بریم که بدانیم او در این فیلم همبازی استاد عزت‌ا... انتظامی و خسرو شکیبایی بوده. به طور حتم با او آشنا هستید اما يك بار دیگر يك بیوگرافی کامل را از او بخوانید و پس از آن گفتگوی خانواده‌سبز با امین حیایی...

کشف حیایی

او در نقش يك سرباز نیروی انتظامی در فیلم (شب) (جایزه سیمرغ بلورین را کسب کرد. جالب این‌که وی فعالیت هنری‌اش را هم در زمان سربازی آغاز کرده بود. (در دوران تحصیل به فعالیت

در تئاتر می‌پرداختم، پس از گرفتن دیپلم ضمن خدمت سربازی در مرکز هنرهای نمایشی عقیدتی - سیاسی نیروی هوایی فعالیت‌م را آغاز کردم.) اما او از کجا کشف شد؟ (در سال 1370 بازیگر يك تئاتر کودکان به کارگردانی ثریا قاسمی بودم) و از همان جا بود که تصمیم گرفت بازیگری را به شکل جدی ادامه بدهد. خیلی زمان گذشت تا بتواند به عنوان بازیگر نقش اول در فیلم‌های سینمایی بازی کند. سال 1381 اوج شکوفایی حیایی بود؛ سالی که يك رکورد در سینمای ایران به دست آورد. او در شش فیلم بازی کرد؛ (مزامه)، (ماني و ند)، (مونس)، (اثیری)، (رز زرد) و (بوی بهشت). در سال 82 در نقش‌های متفاوتی ظاهر شد. (عروس خوش‌قدم) و (دختر ایرونی) و در سال 1383 با فیلم‌های (کم) و (مهمان مامان) نامش به عنوان يك بازیگر توانا سر زبان‌ها افتاد. گرچه پیش از آن، همیشه نام امین حیایی مطرح بود اما از آن سال به يك سوپرستار تبدیل شد ضمن این‌که بازی کم‌نقص و روان و تحسین‌برانگیزش در فیلم (زن زیادی) در جشنواره بیست و سوم فجر، نشان از سیر صعودی‌اش در زمینه بازیگری داشت. از مجموعه‌های تلویزیونی مطرحی که او در آنها به ایفای نقش پرداخت، می‌توان به (آپارتمان) کاری از اصغر هاشمی، (روزگار جوانی) و البته (همسایه) کاری از محمدحسین لطیفی اشاره داشت.

(شب) امین حیایی

یکی از مشخصات بارز امین حیایی این است که بازی در هر نقشی را به خوبی ایفا می‌کند. نقش جدی، طنز، خاکستری و... و این یکی از نشانه‌های بارز بازیگری اوست که البته پیش از وی، پرویز پرستویی می‌توانست به راحتی در چنین نقش‌هایی بازی کند. اما او برای بازی در چه فیلمی و چه نقشی جایزه را از آن خود کرد؟ (نقش يك جوان مازندرانی به نام محسن گرائیلی را بازی کردم. این نام را (محمد قومی) گریموorman انتخاب کرد. گویا نام یکی از دوستانش بود. این جوان، سرباز می‌باشد و چند روز دیگر جشن عروسی‌اش است. او حتی کارت‌های عروسی‌اش را هم پخش کرده و برای مخارج عروسی زحمت زیادی کشیده است. پدرش چند درخت را فروخته تا مخارج عروسی‌اش جور شود. چند روز پیش از عروسی‌اش، به او مجرمی می‌دهند که او را به مشهد ببرد. او باید حواسش را جمع کند که مجرم فرار نکند وگرنه همه‌چیز به خصوص عروسی‌اش به هم می‌ریزد. در این فیلم 97 دقیقه‌ای که کارگردانی آن برعهده رسول صدرعاملی است، با استاد انتظامی و خسرو شکیبایی همبازی هستم، ضمن این‌که تهیه‌کننده آن سیدکمال طباطبایی می‌باشد).



در لواسان زندگی می‌کنیم

امین حیایی و همسرش تصمیم گرفتند که در اطراف تهران زندگی کنند و به همین خاطر لواسان را انتخاب کرده‌اند؛ منطقه‌ای خوش آب‌وهوا در شمال شرق تهران و زندگی آرام و بدون دغدغه. از حیایی می‌پرسیم طی این سال‌ها در فیلم‌های مختلفی بازی کردی، آیا حقت نبود که زودتر جایزه می‌گرفتی؟ می‌گوید: (شاید اگر زودتر سیمرغ می‌گرفتم، روی نقش‌های بعدی‌ام تاثیر منفی می‌گذاشت. بهتر بگویم؛ شاید ظرفیت این جایزه را پیش از جشنواره بیست و ششم نداشتم. به هر حال می‌خواهم بگویم که به نظر خودم سیمرغ را به‌موقع گرفتم اما جا دارد بگویم این سیمرغی را که من گرفتم، تنها محصول تلاش من نبود، بلکه یک کار گروهی بود که تمامی عوامل در آن دست داشتند، ضمن این‌که برای اولین بار با اساتیدی چون انتظامی و شکیبایی همبازی شدم).

از او می‌پرسیم از گرفتن سیمرغ چه احساسی داری؟ (تنها اتفاقی که برایم افتاده، این است که مسئولیتم سنگین‌تر شده و حالا باید حواسم به کارهای بعدی‌ام باشد به طوری که بعد نگویند امین مغرور شده است).

همسر امین حیایی می‌گوید: (امین می‌خواست سیمرغ را به مادرش هدیه بدهد اما او قبول نکرد و گفت خانه خودتان باشد، بهتر است. حالا هم گذاشتیم روی میز پذیرایی خانه و نگاهش می‌کنیم).

حیایی می‌گوید: (البته هدفم این بود که اگر سیمرغ را گرفتم، در سالن به استاد انتظامی بدهم و همچنین سکه‌های طلا را هم بین عوامل تقسیم کنم، اما از آنجا که استاد انتظامی در مراسم حاضر نبود و به‌جای سکه‌ها هم قرار شد به حساب پول واریز نمایند این برنامه‌ام عملی نشد).

آخرین فعالیت‌ها

در حال حاضر مشغول ایفای نقش در مجموعه (کلاه پهلوی) هستم، یک کار تاریخی سنگین که فکر کنم یکی از بهترین سریال‌های تاریخی تلویزیون شود، در این مجموعه من نقش مردی به نام (کریم) را بازی می‌کنم که در جوانی (درشکه‌چی) بود و هر چه با زمان جلوتر برویم، او هم رشد می‌کند، حدود دو سال است که در این مجموعه بازی می‌کنم، البته بگویم فکر نکنید که هر روز من به لوکیشن می‌روم، از آنجا که یک کار تاریخی سنگین است، به مدت دو سال است که درگیر بازی هستم. ضمن این‌که آخرین فیلمی که در آن ایفای نقش کردم و تصویربرداری آن تمام شد، (زن‌ها فرشته‌اند) کاری از شهرام شاه‌حسینی است که در آن فیلم در کنار بازیگرانی چون محمدرضا شریفی‌نیا، مهتاب کرامتی، نیکو کریمی، لیلیا اوتادی و لادن طباطبایی بازی می‌کنم. همچنین در فیلم (با من ازدواج کنید لطف) هم بازی کرده‌ام. از طرفی باید اشاره کنم که قرار بود در سریال نوروزی مهران مدیری نام (مرد هزار چهره) هم بازی کنم، با هم صحبت کردیم، ابتدا فکر کردم که یک پروژه سینمایی است، ولی از آنجا که سریال بود نتوانستم با مهران مدیری همکاری داشته باشم. گرچه چند ماه پیش در پروژه (دایره زنگی) با وی همبازی بودم.

17 سال بازیگر

سابقه بازیگری من 17 سال است و در این مدت نقش‌های متفاوتی بازی کردم، پله‌های ترقی را کم‌کم طی کردم، اگر حالا به چنین جایگاهی رسیدم ابتدا لطف خداوند، و سپس کمک خانواده‌ام بود به ویژه همسرم؛ در سال‌هایی که امیدم را از دست داده بودم و در فیلم (قرمز) از ادامه بازی کردن، بازماندم، یک آن تصمیم گرفتم که بازیگری را برای همیشه کنار بگذارم، اما وقتی که نیلوفر به زندگی‌ام آمد، نگاه من به دنیا تغییر پیدا کرد و یک بار دیگر امید و انگیزه به زندگی من تزریق شد... من هم سعی کردم به نیلوفر کمک کنم تا او هم در بازیگری بتواند، استعدادهای خود را به رخ بکشد... همسر خوب نعمتی است که من از آن برخوردارم و به همین خاطر، خداوند را شاکرم... این‌که همدمی به من بخشید تا با او به سقف آرزوهایم برسم، نیلوفر چه در زندگی شخصی و چه در زندگی کاری همیشه به من مشاوره‌های درست می‌دهد و من قدردان او هستم.

پیوندمان عاطفی بود

اما گفته‌های نیلوفر خوش‌خلق هم در مورد امین بخوانیم: (خیلی‌ها تصور می‌کنند که پیوند من و امین به خاطر سینما بود، اما معرفت و منش و اخلاق امین مرا جذب کرد. امین انسان بسیار باگذشتی است و طی این سال‌ها، بارها این ویژگی‌اش را به من ثابت کرد. ما سال‌ها روزگار خوشی را کنار هم می‌گذرانیم و امیدواریم که این روند ادامه داشته باشد، چرا که اصولاً من و امین چه در زندگی شخصی و چه در زندگی کاری به آینده خوشبین هستیم و دلمان می‌خواهد زندگی با آرامش را تجربه کنیم... زندگی که یاد خدا محور اصلی آن باشد، من و امین همیشه به یاد خدا هستیم و می‌دانیم اگر موفقیتی تاکنون نصیب ما شده به‌خاطر لطف خداوند و پس از آن مردم بوده است...

موسیقی

موسیقی را کماکان ادامه می‌دهد، سال‌ها پیش نواختن گیتار را آموختم و حالا همچنان آن را ادامه می‌دهم، دنبال یک فرصت هستم تا کاری خوب در زمینه موسیقی انجام دهم. به این شرط که وقت کنم تا بتوانم کاری خوب، نو و جدید به موسیقی کشور ارائه بدهم.

استرس نداشتم

وقتی از او می‌پرسیم، آیا فکر می‌کردی سیمرغ را ببری و شب قبل از مراسم استرس داشتی، می‌گوید: به هیچ عنوان، شب قبل از مراسم به راحتی خوابیدم و هیچ‌گونه استرسی هم نداشتم، البته در اواسط مراسم افتتاحیه متوجه شدم که برنده سیمرغ هستم، نیلوفر هم کنارم نشسته بود. وقتی سیمرغ را بردم، او اولین نفری بود که به من تبریک گفت، چرا که او هم به خاطر سال‌ها زندگی کردن کنار من و با من بودن، در این سیمرغ شریک است. ضمن این‌که باباعلی هم نقش مثمرثمری داشت، او باغبان منزل ما در لواسان و از اهالی بابل است، دیالوگ‌هایی که در زمان فیلم از زبان من شنیده شد، ترجمه‌اش را باباعلی انجام داد، من صدای او را روی تلفن همراهم ضبط و سپس با خودم تکرار می‌کردم، گرچه باید اشاره داشته باشم، ابتدا قرار بود درفیلم لهجه کردی داشته باشم، اما چون کمی برایم مشکل بود، گروه تصمیم گرفت که لهجه مازندرانی را اجرا کنم.



ستاره عشق من

سه سال پیش که با شما گفتگو داشتیم، عنوان کرده بودید که نیلوفر ستاره عشق من است و حال امروز؟ (تمام زندگی من است، به بودن در کنار او افتخار می‌کنم، بارها گفتم که اگر او نبود، این موفقیت‌ها هم نیلوفر هم آرزو می‌کنم که در سینما به موفقیت برسد. گرچه او

طي سالهاي اخير در تئاتر رشد خوبي داشت و من از اين بابت خرسندم، اگر من در زمينه سينماي گيشه فعاليت مي‌کنم. نيلوفر هم سعي مي‌کند در زمينه هنر کلاسيک و تخصصي رشد بيشتري داشته باشد.